

برگزیده ای از کتاب

ورشکستگی به تقصیر و تقلب

نویسنده : محمد هادی فضلعلی

ورشکستگی به تقصیر و تقلب

- قانون گذار فرانسه به موجب اصلاحات مورخ ۲۵ ژانویه ی ۱۹۸۵ و اصلاحات بعدی قانون تجارت ، تحولات مهمی در این زمینه ایجاد کرده است
- ورشکستگی مجرمانه ناشی از اهمال تاجر در اداره ی صحیح واحد اقتصادی یا ناشی از توسل تاجر به خدعه و نیرنگ است
- قانون مدنی در ماده ۹۵۳ تقصیر را مشتمل بر تفریط و تعدی معرفی کرده است
- بدین ترتیب می توان گفت تقصیر تاجر یعنی فرا رفتن یا کوتاهی تاجر از حد متعارف که ممکن است به صورت فعل یا ترک فعل محقق شود.
- قانون تجارت در ماده های ۵۴۱ و ۵۴۲ دو نوع ورشکستگی به تقصیر را پیش بینی کرده که یکی از آنها اجباری و دیگری اختیاری است و چنین می نماید که درجه ی تقصیر تاجر در موارد اختیاری اصولاً کمتر از موارد اجباری ورشکستگی به تقصیر است.
- زیاده روی در برداشت شخصی از عایدات کار تجاری ، تناسب بین درآمد و هزینه را بر هم می زند و ممکن است اسباب پریشانی امور و نهایتاً ورشکستگی تاجر را فراهم کند .
- با توجه به اینکه فوق العاده بودن مخارج شخصی فقط در ایام عادی تقصیر محسوب میشود لذا اگر حادثه ای غیر عادی مانند بیماری ناگهانی بر تاجر یا خانواده او پیش آید که موجب برداشت مبالغ بیشتر شود نمی توان او را ورشکسته به تقصیر تلقی کرد
- عادی یا فوق العاده بودن مخارج تاجر بر اساس عایدی او سنجیده می شود .
- معامله ی موهوم معامله ای است که تنها بر اساس وهم و خیال انجام شود و نتوان مبنای معقولی برای آن پیدا کرد
- اگر تاجری به قصد برنده شدن در قرعه کشی و بهره مندی از جایزه ی آن اقدام به خرید انبوده کالایی کند که ارزش واقعی آن کمتر یا فروش آن دشوار است و سرمایه ی او را معطل می گذارد مسلماً مرتکب تقصیر شده

- برخی حقوق دانان بورس بازی سهام را رایج ترین مصداق این بند دانسته اند . این امر ناشی از آن است که روی کرد غالب مردم به معاملات سهام همواره توأم با نگاه تردید آمیز بوده
- لذا در صورتی که چنین معاملاتی اتفاقاً منتهی به ضرر شود صرف خرید و فروش سهام را به تنهایی نمی توان از مصادیق این بند دانست
- قیمت گذاری تهاجمی : ۱- عرضه ی کالا یا خدمت به قیمتی پایین تر از هزینه ی تمام شده ی آن به نحوی که لطمه ی جدی به دیگران وارد کند یا مانع ورود اشخاص جدید به بازار شود ۲- ارائه هدیه ، جایزه ، تخفیف یا امثال آن که موجب وارد شدن لطمه ی جدی به دیگران شود
- به هر حال اگر استقراض یا ارزان فروشی و... به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی انجام شود تاجر اجباراً ورشکسته به تقصیر شناخته می شود صاحب نظران حقوق تجارت قصد مذکور را برای تحقق جرم کافی دانسته و احراز قصد اضرار به طلب کاران را ضروری نشمرده اند
- وقتی شخص غیر تاجر از پرداخت دیون خود ناتوان می شود هر یک از طلب کاران که قبل از دیگران برای وصول طلب خود اقدام کند سریع تر به خواسته خود نائل می شود
- تاجر موظف است از تاریخ توقف هر گونه پرداختی را متوقف کند تا هر یک از بستانکاران بعد از تصفیه ی اموال مقداری از طلب خود را بر حسب سهم غرمایی دریافت کند
- در صورتی که تاجر به چنین عملی دست یازد ورشکسته به تقصیر شناخته می شود ولو اینکه چنین پرداختی عملاً منتهی به ضرر طلب کاران نشود
- اگر تاجری بازپرداخت وام کلانی را که شخص دیگر از بانک دریافت کرده است ضمانت کند یا ظهر چک یا سفته ی شخص دیگر را که متضمن تعهد به پرداخت مبلغی بالا بیش از توان معمول اوست به عنوان ضامن امضا نماید یا ملک ارزشمند خود را برای آزادی متهمی به عنوان وثیقه بسپارد عملی دور از احتیاط انجام داده و چه بسا مطالبه اینها موجب توقف در پرداختها ی تاجر یا توقیف اموال او شود و فعالیت تجاری او را به کلی مختل نماید
- مطابق ماده ۴۱۳ قانون تجارت تاجر در ظرف سه روز از تاریخ وقفه که در تادیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه ی بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارایی و کلیه ی دفاتر تجارتي خود را به دفتر محکمه ی مزبور تسلیم نماید.

- صورتحساب مذکور باید به شرح ذیل باشد ۱- تعداد و تقویم کلیه ی اموال منقول و غیر منقول ۲- صورت کلیه قروض و مطالبات ۳- صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی
- نویسندگان این فرصت ۳ روزه را غالباً برای شرکت های بزرگ کوتاه میدانند به همین دلیل در لایحه جدید این مهلت به یک ماه افزایش یافته است
- پرداخت نکردن به موقع دیون نشانه ی زوال ملائت تاجر است
- اگر از اوضاع و احوال چنین برآید که پرداخت تمام یا قسمتی از دیون حال تاجر از محل دارایی موجود و سهل الوصول او ممکن نیست باید حکم ورشکستگی تاجر را صادر نمود
- اگر بعد از صدور حکم ورشکستگی و تقسیم اموال تاجر معلوم شود که دارایی او برای پرداخت دیون کافی بوده تاجر می تواند مطابق ماده ی ۵۶۱ قانون تجارت از دادگاه تقاضای اعاده اعتبار کند بدون آن که حکم ورشکستگی فسخ یا ملغی الاثر شود
- گروه دیگری از نویسندگان حقوقی بر این عقیده اند که مقصود از توقف فزونی دارایی منفی بر دارایی مثبت است
- چنانچه دارایی شرکت مثبت بوده و عملاً پرداخت بدهی شرکت ممکن باشد نمی توان آن را ورشکسته تلقی نمود و چون در ما نحن فیه حسب نظریه کارشناس جمع کل دارایی های شرکت نسبت به جمع کل بدهی ها فزونی دارد فلذا موجبات صدور حکم ورشکستگی شرکت فراهم نبوده است
- عدم پرداخت دیون با منشا غیر تجاری نیز می تواند موجبات ورشکستگی تاجر را فراهم کند
- اینکه دفاتر تجاری در دعاوی بین تاجر به عنوان دلیل و مدرک معتبر قابلیت استناد دارد حال اگر تاجری دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا نامرتب باشد یا وضعیت واقعی دارایی خود را از حیث میزان مطالبات و بدهی ها در دفاتر منعکس نکرده باشد و نداشتن دفتر یا تنظیم ناقص آن مبتنی بر سو نیت و قصد تقلب نباشد دادگاه می تواند او را به عنوان ورشکسته به تقصیر محکوم نماید.
- قصد مجرمانه عبارت است از خواستن انجام دادن یا ترک کردن عملی که قانون آن را جرم شناخته است.
- از این جهت بی احتیاطی و بی مبالاتی تاجر در ماده ی ۵۴۱ نسبت به ماده ی ۵۴۲ بارزتر است و شاید بر همین اساس است که برخی حقوق دانان معتقدند که در موارد اجباری ورشکستگی به تقصیر عنصر معنوی جرم مفروض است .

- با توجه به توضیحات مذکور در مجموع به نظر می رسد صرف ارتکاب ارادی هر یک از اعمال هفت گانه ی مندرج در ماده های ۵۴۱ و ۵۴۲ ق.ت برای تحقق جرم کافی است
- تصاحب متقلبانه ی سرمایه ی اشخاص موجب بی اعتمادی صاحبان سرمایه و کم رونق شدن سرمایه گذاری های اقتصادی و آسیب دیدن اقتصاد کشور در نتیجه ی بی استفاده ماندن سرمایه ها خواهد شد (ماده ی ۵۴۹ ق.ت)
- دارایی تاجر وثیقه ی عمومی طلب طلبکاران اوست. لذا مخفی کردن تمام یا قسمتی از دارایی نشانه ی تقلب تاجر ورشکسته است
- برخی حقوقدانان معتقدند که مخفی کردن دارایی تنها بعد از توقف موجب ورشکستگی به تقلب می شود.
- مواضعه به معنای تبانی حداقل دو نفر برای انجام دادن کاری است. منظور از مواضعه در قانون تجارت تبانی تاجر ورشکسته با اشخاص دیگر برای از دست رس خارج کردن اموالی است که باید بین غرما تقسیم شود
- معامله صوری معامله ای است که فاقد رکن قصد می باشد و به همین دلیل مطابق ماده ی ۱۹۰ قانون مدنی باید آن را باطل شمرد منتهی قانون گذار علاوه بر اینکه معاملات صوری تاجر ورشکسته را به موجب ماده ی ۴۲۶ ق.ت باطل شمرده آن را جرم تلقی کرده است
- هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلب کاران تمام شود باطل و بلااثر است.
- ۱- معامله صوری به قصد فرار از ادای دین ۲- معامله واقعی به قصد فرار از ادای دین و مسبوق به تبانی با منتقل الیه ۳- معامله واقعی به قصد فرار از ادای دین بدون تبانی با منتقل الیه
- معاملات نوع اول و دوم باطل است و خریدار برای استرداد ثمن باید در غرما شرکت کند اما معامله نوع سوم صرفا در صورتی که معامله متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله باشد امکان فسخ معامله فراهم میشود (به موجب ماده ۴۲۴)
- ماده ۵۵۷ ق.ت کلیه ی قرارداد هایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است.
- در صورتی که عین مال از مالکیت انتقال گیرنده خارج شده باشد وی ملزم به دادن مثل یا قیمت است

- معامله به قصد فرار از ادای دین را در صورت آگاهی طرف معامله از قصد تاجر می توان از مصادیق مواضعه تلقی نمود و آن را هم از جهات شناسایی تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب دانست
- افزایش متقلبانه ی بدهی تاجر اصولاً از طریق ایجاد اسناد ساختگی و غیر واقعی مانند امضای تاجر در ذیل اقرار نامه به نفع شخص غیر طلبکار صورت می گیرد تا مفرله در ردیف دیان قرار گرفته و از سهم غرمای واقعی بکاهد
- قانون گذار در ماده ۴۱۹ ق.ت طرح دعوا بر تاجر ورشکسته را از تاریخ حکم ورشکستگی صرفاً به طرفیت مدیر تصفیه جایز شمرده و در ماده ۴۲۰ نیز ورود تاجر ورشکسته در دعاوی به عنوان ثالث را منوط به اجازه ی دادگاه دانسته است.
- اگر تاجر ورشکسته به قصد مخفی کردن قسمتی از دارایی خود بخشی از آن را در صورت حسابها منعکس نکند لذا عنصر مادی این جرم در اغلب موارد فعل مادی مثبت و در برخی موارد نادر ترک فعل می باشد
- عنصر معنوی را اصولاً باید بر اساس رفتار مادی شناسایی کرد. به عبارت دیگر عنصر معنوی هر جرمی عبارت از اراده کردن انجام رفتار مادی موضوع جرم است
- در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و نیز قانون تعزیرات ۱۳۶۲ جرائم ورشکستگی و کلاه برداری در کنار هم ذکر شده بود. ماده ی ۲۳۶ ق مجازات عمومی برای ورشکستگی به تقلب مجازات سه تا پنج سال حبس تعیین کرده بود
- در ماده ۲۳۶ قانون جزا ورشکستگی به تقلب نوعی کلاهبرداری است که برای آن به دلیل وجود کیفیات مشدد مجازات سنگین تری پیش بینی شده
- از نظر هیات عمومی دیوان اولا ورشکستگی به تقلب نوع خاصی از کلاهبرداری است ثانیا ورشکسته به تقلب در حقیقت ورشکسته نیست بلکه به منظور اضرار به طلب کاران به طور غیر واقعی خود را ورشکسته وانمود می کند
- فرق اصلی کلاهبرداری و ورشکستگی به تقلب را باید در تقدم و تاخر توسل به وسایل متقلبانه بر بردن مال غیر دانست یعنی در کلاهبرداری توسل به وسایل متقلبانه بر بردن مال غیر است ولی در ورشکستگی به تقلب موخر بر تحصیل مال
- تاجر حقیقی قطعاً مشمول تمام مقررات حقوقی و کیفری راجع به ورشکستگی هستند

- نهاد ورشکستگی مخصوص بازرگانان است و بدهکاران غیر تاجری که از پرداخت دیون خود بازمانده اند تحت شمول مقررات ورشکستگی قرار نمیگیرند بلکه مشمول مقررات اعسار است
- دلیل اصلی این تفاوت ها احتمالا این است که اجرای به موقع تعهدات تاجر از حدود منافع خصوصی بستانکار و بدهکار فراتر رفته و به جامعه ی بازرگانی و دورادور به کل اجتماع ارتباط پیدا می کند
- هیچ یک از این ممنوعیت ها مانع از تاجر محسوب شدن اشخاصی که علی رغم ممنوعیت قانونی اشتغال مستمر به تجارت دارند و به نوعی آن را به عنوان شغل دوم خود اختیار کرده اند نیست و آنها را از شمول قواعد حاکم بر ورشکستگی خارج نمی کند
- دادگاه از جمله می تواند با ملاحظه و بررسی برگ تشخیص مالیات و مکاتبات مرجع وصول مالیات اسناد معاملات، مندرجات سند اجاره ی محل کار و... تاجر بودن یا نبودن مدعی را احراز کند
- شعبه اول دیوان عالی کشور در حکم خود چنین اظهار عقیده کرده که اگر کسی قبلا تاجر بوده ولی تجارت او فعلاً از بین رفته و مالی نداشته باشد و عرفاً نتوان او را تاجر گفت موردی برای دادخواست توقف و تشریفات لازمه و متفرعات آن از قبیل توقیف متوقف باقی نیست و مطابق ظاهر ماده ی ۲۳ قانون اعسار و مواد مربوط به قانون ورشکستگی چنین کسی باید دادخواست اعسار تقدیم کند
- صدور حکم ورشکستگی تاجر متوفی را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یکسال بعد از مرگ نیز تجویز کرده بر همین قیاس به نظر می رسد شخصی که در حال حاضر اشتغال به تجارت ندارد اما سابقا تاجر بوده و متوقف شده نیز مشمول مقررات ورشکستگی است. ولی اگر کسی قبلا تاجر بوده و بعدا تجارت خود را ترک کرده باشد و در زمانی که تاجر نبوده گرفتار وقفه در پرداخت بدهی شود مشمول مقررات ورشکستگی نمی شود.
- کسبه جزء بر اساس ماده ۲۱ و ۲۰ قانون تجارت تاجر محسوب می شوند
- تبصره ذیل ماده ی ۱۰۰ اصلاحی قانون مالیات های مستقیم نیز می تواند به عنوان مقررره ای کمکی راه گشای مقامات قضایی باشد مطابق این تبصره سازمان امور مالیاتی کشور می تواند برخی از مشاغل یا گروه هایی از آنان را که میزان فروش کالا و خدمات سالانه ی آنها حداکثر ده برابر معافیت موضوع ماده ی ۸۴ این قانون باشد از انجام بخشی از تکالیف از قبیل نگه داری اسناد و مدارک موضوع این قانون و ارائه ی اظهار نامه ی مالیاتی معاف کند

- شرکت های تجاری عمل تجارتي را به نمايندگي و به حساب شرکت انجام می دهند . لذا شخصاً تاجر محسوب نمی شوند و در نتیجه نمی توان حکم ورشکستگي آنها را صادر نمود
- قاعده ی اصطيادی حاصل از استقراء در مقررات مختلف حقوق کيفري ايران از ديرباز تاکنون اين است که هر گاه جرمی قابليت انتساب به اشخاص حقوقی داشته باشد مسئوليت کيفري متوجه آن دسته از اشخاص حقيقي است که رفتار مادی مجرمانه را انجام داده اند
- افزون بر امکان تعقيب کيفري مديران و مرتکبان حقيقي جرم بر اساس قاعده ی عمومی حاکم بر مسئوليت کيفري از زمان لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی امکان تعقيب خود شرکت نیز به عنوان شخص حقوقی وجود دارد
- شرکای شرکت تجاری با توجه به استقلال شخصيت شرکت از شرکا اصولاً تاجر محسوب نمی شوند هر چند قانون گذار برای شرکای برخی شرکت ها مانند شرکت تضامنی ، مسئوليت هایي مقرر کرده است
- ماده ۱۵ قانون اجرای محکوميت های مالی مقرر نمود که کليه ی اشخاص حقوقی ولو آن که تاجر نباشند ممکن است ورشکسته شوند و بديهی است که اين ورشکستگي ممکن است از نوع مجرمانه يعنی توأم با تقصير يا تقلب باشد
- اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی يا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود دادگاه بدون اخطار به خواهان قرار رد دادخواست وی را صادر می کند
- ديوان عالی کشور در حکم شماره ی ۳۵۰ موارد مذکور در ماده های ۵۴۱ و ۵۴۲ قانون تجارت هر یک جرم مستقلي محسوب نبوده تا به تعدد آنها جرم متعدد شود. بلکه موارد مزبوره بدون فرقی بين حالت اجتماع و افراد جرم واحدی را که عبارت از ورشکستگي به تقصير باشد تشکيل می دهد. زیرا ورشکستگي به تقصير یک جرم است منتهی علت آن دو تخلف می باشد
- در حال حاضر مجازات ورشکستگي به تقلب و تقصير تابع ماده ی ۶۷۰ و ۶۷۰ اين قانون است. ورشکستگي به تقلب درجه پنج و ورشکستگي به تقصير درجه شش می باشد
- هر کس به لحاظ ارتکاب ورشکستگي به تقلب محکوم گردد به مدت دو سال از حقوق اجتماعی از جمله تاسيس ، اداره يا عضویت در هیات مدیره ی شرکت های دولتی ، تعاونی و خصوصی يا ثبت نام تجارتي محروم می شود ولی محکوميت ناشی از ورشکستگي به تقصير فاقد اثر تبعی خاصی است.

- بدین ترتیب مسئولیت کیفری مدیر تصفیه در حال حاضر تابع دو ماده ی ۵۵۵ قانون تجارت و ۶۷۲ قانون مجازات اسلامی می باشد
- هر گاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلب کاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم می گردد
- مرجع صالح : مطابق ماده ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکاب جرم می تواند موجب طرح دو دعوا شود نخست دعوای عمومی برای حفظ حقوق جامعه و نظم عمومی و دو دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم
- از حیث محلی رسیدگی به جرم به طور کلی در صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است.
- طبق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند .
- مطابق ماده ۴۱۵ قانون تجارت سه گروه می توانند توقف تاجر را به دادگاه اعلام کرده صدور حکم ورشکستگی او را درخواست کنند : خود تاجر ، دادستان و طلبکاران
- حتی وقتی برخی تجار با شکایت شاکیان متعدد به اتهام جرائمی مانند کلاهبرداری ، فروش مال غیر و... تحت پیگرد قرار می گیرند و اموال کشف شده از آنها برای جبران خسارت بزه دیدگاه کفایت نمی کند معمولاً توجه نمی شود که متهم به فعالیت تجاری اشتغال داشته و می توان در کنار تعقیب کیفری صدور حکم ورشکستگی او را نیز طبق قانون تجارت از محکمه ی حقوق تقاضا کرد
- صدور حکم ورشکستگی تاجر بدهکار در پاره ای موارد ممکن است به نفع برخی طلب کارانی باشد که از بطلان معاملات تاجر سود می برند
- تاجر دیگر دغدغه ای برای پاسخ گویی به یکایک دعوای طلب کاران ندارد و اداره یا مدیر تصفیه را به مثابه ی سپری محکم در برابر زیاده خواهی برخی طلبکاران احساس میکند
- دیگر آنکه می داند به لحاظ امتناع از پرداخت بدهی های خود بازداشت نخواهد شد
- از تاریخ توقف خسارتی از بابت تاخیر در پرداخت دیون به حساب بدهکاری او منظور نخواهد شد

- هر گاه شخص متقاضی تعقیب یکی از طلب کارها باشد و تاجر محکومیت حاصل نماید مخارج تعقیب بر عهده ی دولت خواهد بود
- هر گاه شخص متقاضی تعقیب یکی از طلب کارها باشد و تاجر براءت حاصل نماید مخارج تعقیب بر عهده ی تعقیب کننده خواهد بود
- هر گاه یکی از طلب کاران علاوه بر طرح شکایت کیفری دایر به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم نیز اقامه نماید و حکم به نفع او صادر شود با عنایت به این که قانون گذار در این مورد حق رجحانی مقرر نکرده است. لذا اصولاً طلب کار مذکور برای وصول این طلب داخل در غرما خواهد شد مجازات مقرر در ماده ی ۶۷۰ قانون مجازات اسلامی برای بزه ورشکستگی به تقلب با لحاظ ماده ی ۱۹ همان قانون از درجه ی پنج محسوب می شود و طبق ماده ی ۱۰۵ دقانون مذکور مدت مرور زمان تعقیب آن هفت سال است . مجازات ورشکستگی به تقصیر به ترتیب مقرر در ماده ی ۶۷۱ ق.م.ا نیز از درجه ی شش بوده و طبق ماده ی ۱۰۵ قانون یاد شده تعقیب آن بعد از گذشت پنج سال مشمول مرور زمان می شود
- در صورتی که مورد قبول مرجع قضایی قرار گیرد تاجر مدیون موفق شده است با پرتاب یک تیر چند هدف را هم زمان نشانه گیری کند هم خود را از بازداشت ناشی از محکومیت مالی رهایی دهد هم از پرداخت خسارت تاخیر تادیه معاف شود و هم پیگرد کیفری خود را با اراده ی یک جانبه مشمول مرور زمان کند
- ولی در جرم های مستمر همانطور که در ماده ی ۵۰ قانون مجازات عمومی به درستی تصریح شده بود تاریخ شروع مرور زمان تاریخ انتهای عملیات مجرمانه و به تعبیر دیگر تاریخ قطع استمرار جرم است
- برای مثال مبدا مرور تعقیب جرم خیانت در امانت تاریخ مطالبه ی مال مورد امانت و انکار امین است نه تاریخ سپردن مال نزد امین
- در جایی که تاجر سالها بعد از تاریخی که خود مدعی توقف است اعلام ورشکستگی کرده و به لحاظ عدم اجرای تکلیف مقرر در ماده ی ۴۱۳ قانون تجارت در مظان ارتکاب بزه ورشکستگی به تقصیر قرار گرفته است. استدلال به این که جرم در زمان توقف مندرج در حکم محکمه ی حقوقی رخ داده و تمام شده و در نتیجه تعقیب آن مشمول مرور زمان گردیده صحیح نیست

- یکی از طلب کاران صدور حکم ورشکستگی او را درخواست کرده است می توان گفت مرور زمان از هنگامی آغاز می شود که دادگاه مبادرت به صدور رای ورشکستگی می کند نه از تاریخ توقف مندرج در رای مذکور

- نکته ی قابل توجه در این قسمت اینکه ممکن است رسیدگی به ورشکستگی در مرجع کیفری به علت صدور قرار اناطه یا اقامت متهم در مملکت دیگر و خودداری دولت محل اقامت متهم از اعاده ی او به کشور موقتاً متوقف شده باشد . در این صورت مرور زمان تعقیب نیز متوقف می شود و مدتی که تعقیب جزایی به علل مذکور معلق مانده است به تصریح تبصره ی ۲ ماده ی ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی و تبصره ی ۳ ماده ۲۱ قانون آ.د.ک جز مدت مرور زمان محسوب نمی شود. البته زمان سپری شده قبل از تعلیق مرور زمان جز ایام مرور زمان قانونی احتساب خواهد شد

- تاجری به عنوان ورشکسته شناخته میشود که شرایط مذکور در ماده ی ۴۱۲ قانون تجارت را داشته باشد و مطابق ماده ی ۴۱۵ همین قانون دادگاه حکم ورشکستگی او را صادر کرده باشد در ماده های ۵۴۱ و ۵۴۲ قانون تجارت که در باب ورشکستگی به تقصیر است و ماده ی ۵۴۹ همین قانون که در مورد ورشکستگی به تقلب است ابتدا باید تاجر بودن و سپس ورشکسته بودن محرز شود تا از حیث تقصیر یا تقلب تعقیب کیفری باشد. چراکه منطوق ماده حکایت از آن دارد که کسی ورشکسته شناخته شده است، حالا با این شرایط قرار است معلوم شود که این ورشکستگی به تقلب بوده یا به تقصیر به عبارت دیگر تقلب و تقصیر فرع بر وقوع ورشکستگی است همین مطلب از مواد ۶۷۰ و ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی نیز استفاده می شود

- تجویز تعقیب اشخاص به اتهام ورشکستگی به تقلب و تقصیر بدون سابقه رسیدگی در دادگاه حقوقی موجبات محکومیت عجولانه ی اشخاصی را که ممکن است واقعاً تاجر نباشند فراهم می سازد
- ورشکستگی به تقلب و تقصیر جرم است و ارکان جرم صرفاً باید توسط دادگاه جزایی احراز گردد. دادگاه کیفری در مقام احراز وقوع یا عدم وقوع بزه مستقل بوده و تکلیفی به تبعیت از نظر دادگاه حقوقی ندارد
- لذا موضوع چند بار در دیوان کشور مطرح شد تا این که بالاخره رای اصراری شماره ۲۰۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور صادر شد و رسیدگی دادگاه های جزایی به جرم ورشکستگی به تقلب حتی در صورت عدم صدور ورشکستگی از دادگاه مدنی بلامانع اعلام شد
- ورشکسته به تقلب اساساً ورشکسته نیست که نیاز به صدور حکم ورشکستگی او باشد بلکه به تقلب خود را ورشکسته وانمود می کند
- چنانچه پس از صدور قرار اناطه ذی نفع اقدام به طرح دعوی ورشکستگی نکند و گواهی آن را ارائه ندهد به تصریح ذیل ماده ۲۱ ق آدک مرجع کیفری به رسیدگی ادامه داده تصمیم مقتضی اتخاذ می کند
- مطابق ماده ۴۳۵ قانون تجارت اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده ۴۱۳ و ۱۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد چنان که ملاحظه میشود ظاهر این ماده دلالت بر الزام محکمه به صدور قرار بازداشت تاجر ورشکسته در فرض ترک تکلیف مندرج در ماده ۴۱۳ ق.ت دارد
- توقیف ورشکسته در اجرای ماده های ۴۱۷ و ۴۳۵ قانون تجارت مجازات تاجر ورشکسته به تقصیر یا تقلب نیست بلکه اقدامی است احتیاطی که برای جلوگیری از فرار ورشکسته به تقصیر یا پنهان نمودن اموال یا نقل و انتقال آن یا تغییر دفاتر چنانکه از قانون تجارت مستفاد است به عمل می آید
- دادگاه باید از طریق رسیدگی به دفاتر تجاری و صورتحساب دارایی و لدی الاقتضا مدارک و اسناد دیگر به صحت و سقم ادعا رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید
- بر طبق ماده ی ۴۱۲ ق ت ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه ی توقف از تادیه ی وجوهی که بر عهده دارد حاصل میگردد و با توجه به سفته های واخواست شده که مستند دادخواست بدوی فرجام خواه بوده و دلیلی بر تادیه وجوه آنها از ناحیه شرکت فرجام خوانده اقامه نگردیده و حسب محتویات پرونده اجرایی ثبت کلیه تاسیسات کارخانه شهرضای اصفهان با زمین و ادوات منصوبه در آن اعم از ماشین آلات و وسائل برق و لوله کشی و

دستگاه آتش نشانی در اثر مزایده در قبال بدهی شرکت فرجام خوانده داشته به بانک تهران واگذار شده استدلال دادگاه بر اینکه انجام مزایده و عدم پرداخت وجه سفته ها صرفا دلیل ورشکستگی شرکت فرجام خوانده نیست مخالف ماده ۴۱۲ ق ت بوده لذا حکم فرجام خواسته بر طبق ماده ۵۵۹ ق آدم به اتفاق آرا شکسته می شود